

بررسی انتقادی نگرش فرقه ذکریه در خاتمیت

عبدالواحد بامری^۱، سیدزین العابدین سجادی^۲، سیداکبر حسینی قلعه بهمن^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱/۱۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۲/۲۵)

چکیده

فرقه باطنی گرای «ذکریه»، که در قرن دهم هجری در منطقه‌ای به نام «تربت» در بلوچستان پاکستان پا به عرصه حیات نهاده است، از فرقه‌هایی است که باورهای دینی آن اقتباس از برخی فرقه‌های مطرح در جهان اسلام می‌باشد. پیروان فرقه ذکریه در اعمال عبادی و مناسک دینی بدعت‌هایی را پدید آورده‌اند که اعتقادات آنان نیازمند به واکاوی علمی و ارزیابی است در همین راستای از باورهای مذهبی این فرقه، اعتقاد به خاتمیت به شمار می‌رود که در این عرصه دو رویکرد در منابع علمی آنان گزارش شده است. در نوشتار حاضر به نقد و تحلیل دیدگاه این فرقه در مورد خاتمیت اشاره می‌شود. از نتایج جستار حاضر آن است که دیدگاه ذکری‌ها پیرامون خاتمیت با معارف قرآن و عترت نبوی واگرایی دارد و ادعای آنان موجب تحریف در تعالیم حیات‌بخش دین اسلام و با آموزه‌های دینی در تعارض است.

واژگان کلیدی: ذکریه، بلوچستان، خاتمیت، محمد اتکی، عقائد.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، (نویسنده مسئول)؛

Email: avahedbameri@yahoo.com

Email: zen.sajjad.i@gmail.com

۲. پژوهشگر علوم دینی ایرانشهر، ایران؛

۳. دانشیار گروه ادیان و عرفان موسسه امام خمینی (ره)؛ قم، ایران؛

Email: akbar.hosseini37@yahoo.com

مقدمه

وقتی سخن از یک جامعه با دین و مذهب خاص به میان می‌آید ممکن است این تصور شود که شرایطی برای شکاف فرهنگی و مذهبی وجود ندارد و حال آن که ما شاهد آن هستیم که مجموعه شرایط تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و خصوصیات جغرافیایی در یک منطقه باعث پدید آمدن نگاه‌های جدید و تعبیر واژه‌ای از یک مذهب شود. فرقه ذکریه از مجموعه فرقه‌هایی است که در جامعه بلوچستان ایران به واسطه شرایط مذکور و برخی زمینه‌هایی که در این منطقه وجود داشته پا به عرصه حیات نهاده است.

در تاریخ جوامع اسلامی از دو نگرش دینی گزارش شده یکی شریعت، که فقیهان اسلامی آن را رهبری و هدایت آن را برعهده دارند، و دیگری طریقت، که عارفان زعامت مذهبی آن را تمشیت امور می‌نمایند. این دو رویکرد، در برخی از شرایط پیروان فراوانی و در مواردی طرفداران این رویکرد تقلیل یافته است. دو نگرش یادشده در جامعه بلوچستان با شدت و ضعف بر اساس شرایط زمان وجود داشته است. البته به صورت کامل این دو موضوع در مناطق بلوچستان فعال نبوده است، بلکه آموزه‌های دینی و عرفانی آن به صورت عامیانه در حیات عقیدتی مردم حضور داشته است. صوفیان و عارفان در بلوچستان ایران به عنوان درویش، ملا، صاحب و خلیفه و سید از مقام اجتماعی و ارج عظیمی برخوردار بودند. آن‌ها اغلب از سادات منطقه به شمار می‌رفتند و خود را به مثابه وارثان قبیله‌ای و خونی و سنت‌های اسلامی در افکار عمومی معرفی می‌کردند. میزان نفوذ صوفیان در میان مردم بلوچستان ایران و پاکستان را می‌توان از تعداد حدود ۳۰۰ صوفی در مناطق برشمرد (شوهاز، ۲۱).

فرقه ذکریه در فرهنگ مذهبی بلوچستان از عناصر و سنت‌های محلی و صوفیانه به گونه به هم آمیخته و در برخی مناطق بلوچستان گسترش یافت که در عقیده و باورهای دینی گرفتار برخی انحرافات شده است. در این مقاله اعتقاد این فرقه در عرصه خاتمیت مورد واکاوی علمی و بررسی قرار گرفته است. از ویژگی‌های پژوهش پیش رو آن است که در این زمینه تاکنون مقاله یا کتاب خاصی تدوین نگردیده است و تحقیق حاضر نخستین اقدام علمی در نقد و ارزیابی رویکرد فرقه ذکریه در مورد خاتمیت شمرده می‌شود.

۱- پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه تحقیق پژوهش حاضر می‌توان دریافت کرد که در عرصه معرفتی تفکرات دینی فرقه ذکریه برخی از منابع به زبان اردو و انگلیسی تدوین شده است. در پاره‌ای از مقالات که به صورت محدود به زبان فارسی نگارش یافته است به تاریخ و آداب معنوی و سلوک عبادی پیروان این فرقه اشاره شده است و نویسندگان این مقالات به واکاوی و بررسی علمی این اندیشه‌ها پرداخته‌اند. از ویژگی‌های این مقاله آن است که در این زمینه کتاب یا مقاله خاصی چاپ نشده است و نوشتار حاضر آموزه خاتمیت از دیدگاه ذکریه را مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد.

۲- خاستگاه فرقه ذکریه

پیروان فرقه مذکور بدین جهت «ذکری» نامیده می‌شوند که به ذکر به خداوند از طریق تکرار اسامی مربوط به وحدانیت او در حال تمرکز اهمیت ویژه‌ای می‌دهند. اسم ذکری در مقابل نمازی است که به اهل سنت حنفی در بلوچستان اطلاق می‌شود.

ذگریسم. در میان مردم محلی «ذگری» مذهبی است که از قرن شانزدهم میلادی در مکران ناحیه جنوبی بلوچستان شکل گرفته و ترویج یافته است. از این فرقه به نام‌های دیگری مانند «مهدوی، داعی یا داهی، مصدق و طایی» نیز یاد کرده‌اند که داعی لقب مبلغان دینی باطنیون و یک اصطلاح عرفانی باطنی است که ارتباط بنیادین فرقه ذکریه با باطنیون اسماعیلی را نشان می‌دهد (همان، ۲۴).

درباره پایه‌گذار این فرقه ابهامات زیادی وجود دارد اما دیدگاه غالب در میان ذکری‌ها دو نگرش کلی را تحت عناوین سنتی و مدرن شامل می‌شود:

۱- **دیدگاه سنتی:** این رویکرد تا سال‌های گذشته در میان ذکری‌ها حاکم بوده است که بنیانگذار فرقه ذکریه شخصی اسطوره‌ای و مبهم است که از وی به عنوان «مهدی» گزارش شده و در کتاب‌های ذکری‌های سنتی همان مهدی اتکی می‌باشد. منابع ذکری‌ها همچون کتاب در وجود نوشته محمد درفشان و کتاب مهدی‌نامه به قلم ملا نورالدین کمالان از او به عنوان «محمد عنقی» یاد شده است (قصرقندی، ۱۹۷۳، ص ۱۴۳). در سفرنامه‌ای که در آن به سیره‌نامه محمد اتکی اختصاص دارند و مولف آن «عزیز لاری» می‌باشد و از منابع معتبر پیرامون شناخت فرقه ذکری‌ها به شمار می‌رود این گونه آمده است:

ملا محمد اتکی درباره ظهور خود گفته است پیش از هر چیزی ظهور من در اتک بوده است. سپس من اراده سفر به مکه معظمه نمودم از شهر اتک به کشمیر، دهلی، ملتان، سند، بندر گوادر و مسقط سفر کردم. (لاری، ۷۲)

۲- رویکرد: بر اساس رویکرد جدید ذکری‌ها که در قرن معاصر این تفکر مطرح گشته است پایه‌گذار ذکریسم را سید محمد جونپوری می‌دانند که بر اساس این نظریه ذکریسم شاخه‌ای از مهدویسم هندوستان می‌باشد.

زندگی‌نامه سید محمد جونپوری در برخی از کتاب‌های معتبر تاریخی هند نقل شده است. بر خلاف اعتقاد مهدویان هندوستان که نام والدین سید محمد جونپوری را هم‌نام به نام والدین پیامبر اکرم (ص) عبدالله و آمنه می‌دانند، برخی از منابع این مطلب را تأیید نمی‌کنند و نام پدر سید محمد را «ادریس، یوسف، سعیدبار، و نام مادر وی را ملک» آورده‌اند (قمرالدین، ۲۹).

برخی بر این باورند علت تغییر نام والدین جونپوری بدین جهت است که وی قصد داشته در جامعه اهل سنت ادعای مهدویت کند و در همین راستای در منابع حدیثی اهل سنت نام پدر و مادر مهدی موعود هم‌نام رسول خدا (ص) ذکر شده است. بر این اساس، وی قبل از ادعای خویش برای مهدویت، اسامی والدین خویشتن را به عبدالله و آمنه تغییر داده است. یکی از نویسندگان معاصر ایشان می‌نویسد:

«شیخ بزرگ محمدبن یوسف حسینی جونپوری در هند مشهور به مهدی در سال ۸۴۷ هجری تولد یافت اسم پدرش عبدالله و مادرش را به آمنه تغییر داده است و نام آن‌ها در میان مردم شایع کرد و کتابی درباره فرقه ذکریه در پاکستان بر خلاف ذکریان در ایران، جمعیت قابل توجهی دارند اما در میان مذهبی حاکم در بلوچستان پاکستان در برابر فرقه‌های قادیانیه و ذکریه اختلاف‌هایی وجود دارد. علاوه بر اختلاف‌های ناشی از تعصبات مذهبی، فعالیت‌های سیاسی و حضور سیاسی آنان در احزاب موجب واکنش‌های شدید اهل سنت شده است. گروه‌های سیاسی در پاکستان برای دستیابی به قدرت از ذکری‌ها و مقابله با آنان از اهل سنت بلوچ بهره می‌گیرند. افزون بر گروه‌های سیاسی ذکری در پاکستان، گروه‌های مذهبی و فرهنگی نیز به فعالیت خود به صورت انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی می‌پردازند و افرادی همچون سید عیسی نوری و سید منظور، سید حیدر و ملا حبیب از فعالان این عرصه می‌باشند» (سرافرازی، ۶۲).

۳- اعتقادات ذکریان

این فرقه خود را مسلمان دانسته اما میان باورها و اعمال آن ها اعتقاداتی وجود دارد که هیچ سنخیتی با تفکرات مذهبی مسلمانان ندارد از آن جا که ذکر به عنوان عمل واجب در میان ذکری ها مشهور است و جایگزین نماز شده به آن ها ذکری در مقابل نمازی اطلاق می شود. این اعتقادات باعث شده که پیروان فرقه مذکور در میان سایر مسلمانان جایگاهی نداشته باشند و مورد هجمه مسلمانان اهل سنت قرار بگیرند در ادامه به باورهای اعتقادی آن ها اشاره خواهیم کرد:

الف- پیامبری و نبوت: در رابطه با نبوت فرقه ذکریه دو دیدگاه مطرح است:

دیدگاه نخست: همچون نویسندگان مقاله شوهاز معتقد است که ذکری ها محمد ابن عبدالله (صلی الله علیه و اله وسلم) را به مثابه آخرین پیامبر خدا قبول دارند (شوهاز، ۳۴). دیدگاه دوم: کسانی هستند که قائل اند به اینکه این فرقه ملامحمد اتکی را آخرین پیامبر دانسته.

عالم بزرگ اهل سنت مفتی رشید احمد در کتاب *احسن الفتاوا* این گونه می نویسد: آنها سید محمد جونپوری را رسول خدا (ص) می دانند و شهادتین آن ها برعکس جهان اسلام است و بدین صورت بیان می کنند «لا اله الا الله نور پاک نور محمد مهدی رسول الله».

ب- امامت: یکی از مباحث مهم که در میان ذکریان مطرح است و از شاخصه ها و ویژگی های این فرقه محسوب می شود و شباهت های زیادی با اصول اعتقادی مذهب تشیع دارد باور به امامت در میان آنان است.

بنابر باور فرقه ذکریه، امام جانشین پیامبر در همه کارها بوده بجز آن که پیامبر خدا (ص) مؤسس اسلام بوده و امام حافظ و نگهدارنده آن می باشد و اینکه بر پیامبر وحی نازل شده ولی امام در هنگام تولد و یا آغاز امامت آموزش دیده می شود (دهواری، ۹۹).

عقاید فرقه ذکریه در باب امام را می توان به شرح ذیل ارائه نمود:

۱- امام نه تنها حاکم اسلامی می باشد بلکه بالاتر از آن، هدایت بشر و راهنمایی امور مادی و معنوی جامعه مسلمین برعهده اوست. او بنده برگزیده خدای متعال می باشد و رفتار و کنش های اسلامی جامعه را تبیین و راهنمایی می کند .

۲- زمین همواره از سوی خداوند نماینده ای دارد، خواه این نماینده پیامبر باشد و یا امام پاک.

۳- امام همچون پیامبر باید معصوم باشد و از هر گونه اشتباه و گناهی مصون باشد چرا که اگر مرتکب خطا و اشتباهی گردد پیروان او نمی توانند به او اعتماد کنند.

۴- ضرورت دارد که امام به تمامی امور دین آگاهی کامل داشته باشد و نگهبان اصول دین و مجری احکام الهی باشد.

۵- امام ضرورت دارد قهرمان‌ترین فرد جامعه باشد و شخص اهل خوف و ترس شایسته رهبری در جامعه اسلامی نیست.

۶- امام باید به مادیات و هوی و هوس جهان بی توجه باشد.

۷- امام بالاترین درجه تقوا و ایمان را باید داشته باشد.

بر این اساس فرقه ذکری امامت را منصبی الهی برمی‌شمرد که وی از جانب خداوند منصوب می‌شود که در این صورت بشر را در انتخاب امام نقشی نیست (دهواری، ۱۰۰).

ج- قرآن: بنابر عقیده فرقه ذکریه قرآن ۴۰ جزء داشته است که ۱۰ جزء آن را محمد مهدی انتخاب کرده است.

شیخ عزیز لاری از نزدیکان محمدانکی از زبان وی می‌نویسد قرآن مجید مشتمل بر ۴۰ جز بوده است الله تعالی بر من حکم کرد همان اندازه‌ای که شما می‌خواهید از فرقان حمید بردارید پس من ده جز را که اسرار خداوندی بوده برداشتم این ده جز مغز قرآن حکیم بوده در ادامه این شعر را مطرح می‌کند:

من ز قرآن مغز را برداشتم استخوان پیش سگان بگذاشتم.

سی جزء را برای اهل ظاهر رها کردم و آن ده جز دیگر که برهان یا کنز اسرار نیز گفته می‌شود برای خاصان خداست و تاویل و تفسیر سی جز دیگر قرآن به زبان سید محمد جونپوری ظاهر شده است و کنزالاسرار نزد خاص امت قرار داده شده می‌شود (لاری، ۵).

د- علم تاویل: همچنین در ذکر رسم این اعتقاد وجود دارد که مهدی صاحب علم تاویل بوده است یعنی او در موقعیتی قرار داشته است که معنای واقعی درک کلام را کشف کند. گفته می‌شود که دوران رسالت محمد ابن عبدالله عربی (صلی الله علیه واله وسلم) دوران وعظ و گسترش علم کلام و یا شریعت در آیین اسلام و آیین رسالت بوده است که پایان یافته است و دوران ملا محمد انکی دوران کشف حقایق درونی است. این اعتقاد به صورت یکسانی در مهدیان هند و ذکری‌های مکران اظهار شده است (اسیا بادی، ۱۹۷۲، ج ۲، ص ۳۰).

مطلب دیگر در فرقه ذکریه تاویلاتی است که در قرآن کریم مطرح کرده‌اند:

ذکری‌ها معتقدند؛ در قرآن کریم مواردی که نام محمد آمده است مراد از آن «محمد

مهدی اتکی» است چونکه نام محمد عربی احمد است و محمد نام مهدی اتکی است که در کوه مراد اعلام رسالت کرده است (نورالدین، بی تا، ص ۷۴).
 بر این اساس آیات ذیل را برخلاف همه مسلمانان تاویل می‌کنند:
 در آیه شریفه: «ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله خاتم النبیین...» (احزاب: ۴۰) مراد از «محمد» در این آیه محمد مهدی اتکی است. در آیه شریفه: «فتربصوا حتی حین یاتی الله بامرہ...» (توبه: ۲۴)، مراد از «امرالله» مهدی است (بجارانی، ۶). در سوره والعصر ذیل آیه: «الا الذین امنوا» می‌گویند مراد از «الذین آمنوا» آن‌هایی هستند که بر محمد اتکی ایمان آورده‌اند (همان، ۶). آیه شریفه «مثل نوره کمشاه فیها مصباح...» (نور: ۳۵) می‌گویند مراد از «نوره» مهدی پاک نور محمد صاحب زمان است (آسیا بادی، ۵۰).

ه- نماز: فرقه ذکریه از آنجایی که سید محمد اتکی را صاحب شریعت جدید می‌داند در این شریعت جدید نماز (نمازهای پنج‌گانه، نماز میت، نماز عید، نماز جمعه، قبله و طهارت) که یکی از ستون‌های دین مبین اسلام است منسوخ اعلام شده و جایگزین آن «ذکر» قرار داده شده است.

در کتاب سیر جهانی آمده است: «امت تو و پیروان تو در سه وقت لا اله الا الله بخوانند، به آواز بلند، به وقت نیم‌روز، وقت شبانگاه، وقت بامگاه، آواز فصیح و بلیغ برخوانند و ترک صلوات، نماز و روزه باشند، و شب در عبادت و روز در فکر ایمان باشند هر که مومن آن رسوم گذشته باشد، منکر پیغمبری تو باشد و اگر ذکر دین را باطل دانند که ذکر ذات خدای من است، آن کس کافر درگاه من است و از آتش دوزخ خلاصی نیابد» (ملا اعظم، ۱۶۶).

و- طهارت: اما در میان فرقه ذکریه طهارت یعنی وضو و غسل از حالت رسمی و تکلیف گونه اسلامی شرعی خارج شده است و جایگزین آن طهارت جسمانی بر صفای باطن و قلب پاک تکیه می‌شود. گفته شده است که از نگاه فرقه ذکریه پس از نزدیکی، غسل از جنابت ضروری نیست و فقط شستن شرمگاه لازم است. ذکرهای وضوی شرعی ندارند و فقط دست و پای خود را می‌شویند.^۱ (سرفرازی، ۶۷).

ز- حج: در اعتقاد فرقه ذکریه حج بیت‌الله همچون دیگر فرائض منسوخ شده است.

۱. البته فرقه ذکریه در حال حاضر عدم غسل و وضو را تکذیب کرده و ادعای التزام به احکام شریعت از جمله آداب غسل و وضو می‌کنند..

مولوی عبدالصمد سربازی از قول ذکری‌ها نقل می‌کند: «اگرچه از این پیشتر حج بیت‌الله فرض بود، مگر بعد از آمدن رسول ما (مهدی اتکی) خداوند متعال همگی مناسک حج را منسوخ گردانید و به جای آن زیارت کوه مراد را مقرر فرموده است» (سربازی، ۸).

زیارت کوه مراد بنا بر اعتقاد سنتی ذکریان کاملاً جایگزین حج کعبه می‌شود. آن‌ها برای اجرای اعمال حج از جاهای مختلف به آنجا می‌روند. فرقه ذکریه همه اعمالی را که مسلمانان در مکه انجام می‌دهند در کوهی به نام کوه مراد در نزدیکی شهر تربت در پاکستان بجای می‌آورند. زمان انجام اعمال حج واجب در ۹ و ۱۰ ماه ذی‌الحجه و حج عمره آنها در ۲۷ ماه مبارک رمضان می‌باشد که هر ساله تعداد زیادی از ذکری‌ها از نقاط مختلف در آنجا جمع می‌شوند.

ح - روزه: یکی دیگر از باورهای فرقه ذکریه که با معارف قرآن و عترت مغایرت دارد فریضه الهی روزه ماه مبارک رمضان است. هوشنگ محقق ذکری می‌گوید: ماه رمضان که یکی از ارکان اسلامی است در میان ذکری‌ها جای خود را به نوعی ریاضت زاهدانه می‌دهد. به این معنی که روزه‌گیری به روزها و هفته‌های مشخصی در تمام سال پراکنده می‌شود و دیگر ماه رمضان تنها ماه روزه شناخته نمی‌شود (هوشنگ، ۳۳). ذکریان جایگزین روزه ماه مبارک رمضان، روزه دهه اول ماه ذی‌الحجه را واجب و همچنین روزه گرفتن روزهای دوشنبه و ایام‌البیض سال که با جمعه ۸۸ روز می‌شود را مستحب دانسته‌اند (لدهیانوری، ۱۸).

خ - زکات: بنابر عقیده فرقه ذکری زکات شامل هر گونه در آمدی که در یک سال بدست می‌آید، می‌باشد و اختصاصی به موارد نه‌گانه ندارد. آنان بر این باورند که برای اموال نصاب خاصی وجود ندارد. ذکری‌ها معتقدند زکات یک‌چهارم و یا یک‌دهم نیز نمی‌باشد بلکه یک‌هفتم و یا یک‌پنجم می‌باشد (اسعدی، ۱۸۲).

ذکر و جایگاه آن در فرقه ذکریه: فرقه ذکریه مذهب خود را ناسخ مذاهب دیگر می‌داند، نماز را منسوخ و بجای آن ذکر را واجب می‌دانند.

یکی از پژوهشگران عرصه ذکریه در کتاب خود آورده است: «امت تو و پیروان تو در سه وقت «لا اله الا الله» بخوانند، به آواز بلند در وقت نیم‌روز، وقت شبانگاه و وقت بامگاه به آواز فصیح و بلند برخوانند و ترک صلاه و روزه باشند و شب در عبادت و روز در فکر ایمان باشند و اگر ذکر دین را باطل دانند که ذکر ذات خدای من است، آن کس کافر

درگاه من باشد و از آتش دوزخ خلاصی نیابد» (ملا اعظم، ۱۶۶). بیشتر اذکار فرقه ذکریه، حاوی کلمات شهادتین که همان شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت محمد مهدی اتکی است می‌باشد به همراه آیاتی از قرآن کریم که با «ربنا» شروع می‌شوند.

انواع ذکر

ذکر از منظر پیروان ذکریه‌ها عبارت است از عبادت ویژه با کلماتی خاص در فرصت‌های ویژه می‌باشد و ممکن است به صورت جلی یا خفی باشد و جهری آن با جماعت در اماکن مذهبی آنان خوانده می‌شود و یا ذکر خفی دارند که در منزل صورت می‌گیرد.

۱- **ذکر چهار تسبیح:** در این قسم هر تسبیح ذکر، عبارت از ۹ یا ۱۳ یا ۱۵ بار گفتن «لا اله الا الله» و یک مورد گفتن «لا اله الا الله الملك الحق المبين نور پاک محمد رسول الله صادق الوعد الامين». سپس دعاهایی را که قرآن با واژه «ربنا» شروع می‌شود و پایان یک تسبیح ذکر که شامل دو دعا یا بیشتر خوانده می‌شود (بجارانی، ۱۰۷).

۲- **ذکر شش تسبیحی:** در این قسم، علاوه بر انجام اعمال و خواندن ذکریه‌هایی که در ذکر چهار تسبیح قرائت می‌شود فرقه ذکری پس از پایان ذکریه‌های یاد شده یک قیام و رکوع و یک سجده و به صورت نشستن به همراه اذکار خاص انجام می‌دهند.

۱- پس از نیت، تسبیح اول تا ششم با ذکر برخی آیات، دعاها و شهادتین ذکری‌ها انجام می‌شود و معمولا هر تسبیح پانزده بار تکرار می‌گردد.

۲- ذکر لایرچو - این ذکر با جملاتی از اذکار صوفیان و عرفا مبنی بر ضرورت دل‌بستگی به خدا و بریدن از غیر او صورت می‌گیرد و هر بند سه بار تکرار می‌شود.

۳- ذکر سبحان - در ذکر سبحان، ضمن تسبیح و تنزیه پروردگار، ای حقیقت بیان می‌شود که در کون و مکان، همه فعل و انفعالات، به اراده خدا انجام می‌شود و بدون اراده او، هیچ کاری انجام نمی‌پذیرد. هر بند از این ذکر با عباراتی از قبیل «سبحان الذی لا یجری فی ملکه الا ما یشاء» پانزده بار خوانده می‌شود.

۴- ذکر «الله الله» - در این ذکر با تکرار لفظ «الله» برای تثبیت در قلب و روان در هر بند از ذکر، فقط خدا مؤثر واقعی در کائنات دانسته می‌شود و دارای بندهای مختلف است که هر بند سه بار تکرار می‌گردد. ذکرین پس از خواندن برخی دعاها تکبیر گفته، بلند می‌شوند و بعضی آیات را می‌خوانند. سپس رکوع کرده ذکر رکوع را می‌گویند بلند شده پس از خواندن آیه ۲۰۶ اعراف و تکبیر به سجده می‌روند و برخی مطالب و آیات را

قرائت و تکرار می‌کنند. پس از پایان ذکر و برنامه سجده که مفصل و طولانی است سر از سجده برداشته بعد از پایان دعا هر کس، تا آخرین نفر به فرد سمت راستش سلام می‌کند (حیدری نسب، ۱۴).

۳- ذکر ده تسبیحی: این ذکر ده قیام و ده رکوع و ده سجده کلمه «لا اله الا الله» که در ذکرهای دیگر ۱۵ مورد گفته می‌شود، در این ذکر ۱۰۰ مورد تکرار خواهد شد (بلوچ شهزاد/۹).

در شیوه ذکر پیروان فرقه مذکور با لباس پاک و طهارت به صورت دایره می‌نشینند و میان آن‌ها «لاخوان و دعاخوان» حضور دارند و بیش از آغاز مراسم در حلقه ذکر نیت می‌کنند. مقصود از اصطلاح «لاخوان» شخصی است که ذکر «لا اله الا الله» را در حلقه ذکر می‌خواند و دعاخوان فردی است که ادعیه ذکر را در حلقه ذکر قرائت می‌کند.

زیارت: در فرقه ذکریه زیارت یکی از اعمال عبادی آن‌ها محسوب می‌شود آن‌ها بر خلاف اکثریت جامعه اهل سنت بلوچستان علاقه خود را نسبت به زیارت اظهار نموده و برای انجام زیارت سفر نیز می‌کنند و تمام زیارتگاه‌های شیعه را قبول داشته و زیارت برخی از مکان‌ها را واجب می‌دانند همچون زیارت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) و ائمه بقیع (علیهم السلام). البته این فرقه یک زیارتگاه اختصاصی به خود نیز دارند که هر ساله در ایام خاصی به آن جا می‌روند. این زیارتگاه که به کوه مراد معروف است به عقیده ذکری‌ها محل ظهور و غیبت مهدی موعود که همان محمد اتکی است می‌باشد.

چوگان: از مهم‌ترین آیین‌های محلی فرقه ذکریه، چوگان یا همان «بیت‌خوانی» می‌باشد این آیین ذکری‌ها تجمعی همگانی و جشن مذهبی همراه با شعرخوانی و سماع می‌باشد. آن‌ها در سماع عارفانه خود از ساز استفاده نمی‌کنند بلکه فقط شعر و لحن استفاده می‌کنند.

خواندن اشعار و ابیاتی موزون همراه با رقص سماع در وصف خداوند متعال، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت مهدی و پیشوایان این فرقه می‌باشد (صدیقی، ۱۶).

۴- خاتمیت از منظر ذکریه

یکی از اعتقادات مسلمانان، اعتقاد به رسالت و خاتمیت رسول خدا (ص) است که تمام پیروان شریعت اسلام در این اعتقاد اتفاق نظر دارند و منکر آن را کافر می‌دانند. در رابطه با خاتمیت فرقه ذکریه، دو انگاره مطرح است:

انگاره نخست: همچون نویسنده مقاله «شوهاز» معتقد است که ذکری‌ها محمد ابن عبدالله (ص) را به مثابه آخرین پیامبر خدا قبول دارند (هوشنگ، شوهاز، ۳۴) اما در نوشته‌های آنان اصطلاحات، نبوت و رسالت برای مهدی بکار گرفته شده است و معتقد است که به‌کارگیری اصطلاحات یادشده این زمینه را به وجود آورده است که متعصبان سنی آن‌ها را یک جنبش جدید «نبوی» اعلام کرده و در میان عوام به آن‌ها حمله نمایند، که ذکری‌ها حضرت محمد (ص) را به عنوان پیامبر قبول ندارند.

انگاره دوم: کسانی هستند که قائل‌اند به اینکه این فرقه، ملامحمد اتکی را آخرین پیامبر دانسته نه پیامبر اعظم (ص) را که خاتم رسولان الهی است.

عالم بزرگ اهل سنت، مفتی رشید احمد در کتاب *احسن الفتاوا* این‌گونه معتقد است: آن‌ها سیدمحمد جونپوری را رسول خدا (ص) می‌دانند و شهادتین آن‌ها برعکس جهان اسلام است و بدین صورت بیان می‌کنند «لا اله الا الله نور پاک نور محمد مهدی رسول الله».

اما مستنداتی که نقل گروه دوم را تقویت می‌کنند به شرح ذیل می‌باشد:
آسیابادی از علما اهل سنت پاکستان، که در میان ذکریان می‌زیسته و کتاب‌هایی درباره آن‌ها نوشته است، درباره اعتقاد ذکریان به نبوت محمد اتکی اینگونه می‌گوید: «به نقل از متون مذهبی ذکریان دوره میانه آنان آرام آرام محمد مهدی را پیامبر (به ویژه پیامبر خاتم) می‌انگاشتند که دین و شریعت تازه‌ای داشت و مناقب بسیاری را از مناقب پیامبر اسلام (ص) به او نسبت می‌دادند» (آسیا بادی، ۱۷).

اعتقاد به نبوت محمد مهدی اتکی در برخی از اذکار ذکری‌ها چنین است:
«لا اله الا الله نور محمد مهدی رسول الله».
«لا اله الا الله نور پاک، محمد مهدی رسول الله».
«لا اله الا الله الملك الحق المبین نور پاک محمد مهدی رسول الله صادق الوعد الامین» (سرافرازی، ۱۵).

در برخی از نسخ خطی ذکریان محمد مهدی اتکی را با لقب سیدالمرسلین، نبی آخرالزمان خاتم المرسلین و رسول یاد می‌کنند.
شیخ عزیز لاری یکی از اصحاب محمد مهدی اتکی در سفرنامه مهدی خود می‌نویسد: «نعت در شان حضرت سید المرسلین نور محمد مهدی اول و آخرین، هادی برگزین نور رب العالمین».

شیخ محمد قصرقندی از علما ذکری در کتاب خطی خود آورده است: «موسی گفت یا رب بعد از من، دیگر رسول پیدا کنی یا نه؟ حق تعالی گفت: ای مهدی بعد از مهدی پیغمبری نیافریدم. نور اولین و آخرین همین است که پیدا خواهم کرد» (قصرقندی، ۴).
 شیخ محمد قصرقندی در نسخه خطی خود می‌گوید: «محمد مهدی، نبی آخر الزمان است و هرگز نمی‌میرد و در کنار خدا بر روی عرش جا دارد» (همان، ۴).
 در مدح و ثنای مهدی آمده است: «محمد مهدی خاتم النبیین، خاتم المرسلین و سرور تمام انبیا است».

در کتاب «سیر جهانی» آمده است: «ملا محمد مهدی اتکی آخر زمان به مدینه منوره رفته و آنجا ادعای نبوت و مهدویت کرد لکن اهالی مدینه نپذیرفتند فقط هشت نفر به نبوت وی اقرار کردند».

در ادامه آمده است: «در ایشان هیچ فهم نیامد که این شخص سید هر دو عالم است و امام و سالار جمیع مومنان و مسلمانان، مجتبی، کل و خاتم مرسلان محمد مهدی موعود آخرالزمان است مگر هشت مرد که از آن در مدینه از اسرار ذات پاک او با خبر بودند این راز را باور داشتند و ختم صدق خاتمی آن حضرت را در زمین دل خود می‌کاشتند» (ملا اعظم، ۱۴۷).

همچنین در یکی از کتب ذکری گزارش شده است: «حضرت مهدی (عج) فرمود، دعوی پیغمبری این بنده بقوت همراهی شماست پس چنانچه شما می‌گویید همان کرده شود و اگر این بنده بفرمان بقوت خدایی و مرا عنوان قوت داده است، انشاءالله تعالی از احوال شما معلوم شدم و روز دوم بوقت ظهر فرمان ذوالجلال بر آن صاحب کمال و پرنور جمال در رسید که سید محمد مهدی، منکر تو کافر است به سبب که انکار تو کنند و هر که اطاعت فرمان برداری تو کند مومن است و باز فرمود که بر بنده هفتاد دو بار تجلی الوهیت رسیده یافته شده‌ایم» (همان، ۳۸).

بنابر شواهد و ادله ذکرین حضرت محمد (ص) را به عنوان پیامبر قبول دارند اما با عناوین محمد و احمد عربی، چرا که برای حجیت بخشی بر محمد مهدی اتکی بعنوان امام زمان، می‌گویند: پیامبر اکرم (ص) خبر آمدن مهدی در آخرالزمان را داده است که اسمش اسم من است.

در همین راستای روایتی را جناب ملا نورالدین در کتاب معراج‌نامه آورده است:
 «روزی در خاطر او یعنی محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و اله و سلم) گذشت «نور

اولین و آخرین». شب هشتم و یوم آدینه بود که از مسجد حجره بیرون آمد و در آن در مسجد الحرام رفت در طاعت باری تعالی شروع شد. در محضر جبرئیل گفت: یا محمد فرمان الهی است که تو را به سوی سماوات خواهم برد تا به عرش الله عظیم از سبب آنکه او را ببیند و خود را مشاهده کنی و شرف و بزرگی او را ببینی و خود را بدانی و بار دیگر نور اولین و آخرین نخوانی و بدانید که نور اول و آخر، محبوب رب العالمین آخر زمان است. و باز نور محمد به او گفت: «تو احمدی یا محمد؟ گفت من احمدم و نه محمد و نور مهدی و خاتم نبی تویی، پس نور مهدی گفت: یا نبی الله، حق تعالی قطره عرق از پیشانی من چکانید و نور جمال از روح پاک تو افریده کرد و چون رسول الله گفت یا نور مهدی مرا از امام شریف خود یک بدهید تا در هر دو جهان با شرف باشیم» (ملاکمالان، ۲۳).

بنابر آنچه ذکر شد، «محمد مهدی» در پنجاب ظهور کرده و در کوه مراد قریب به ده سال اقامت کرده است. ذکرین پس از ادعای مهدی موعود بودن برای محمد مهدی اتکی (یا سید محمد جونپوری) به آن اکتفا نکرده و بعد از آن مدتی آرام آرام «محمد مهدی اتکی» را پیامبر خاتم معرفی کردند که دین و شریعت تازه‌ای داشت که مناقب بسیاری از مناقب پیامبر اسلام (ص) را به او نسبت می‌دادند. (اسیابادی، ۱۷).

۵- بررسی و تحلیل

دیدگاه فرقه ذکریه از دو جهت قابل نقد و ارزیابی است:

جهت نخست: اگر فرقه ذکریه بنا بر آنچه در بالا گفته شد قائل به نبوت حضرت محمد (ص) باشد، ادعای اینکه حضرت خیر از آمدن محمد اتکی در سرزمین پنجاب را داده باشد ادعایی است که در هیچ یک از کتب مسلمانان جز فرقه ذکری نیامده و ادعایی بی‌پایه و اساس است. و این ادعا منافات با اعتقادات جمهور مسلمانان دارد و روایتی که از ملا نور الدین نقل می‌کند روایتی است بدون سند و محتوای آن نیز مجعول بوده و هیچ یک از روایات شیعه و سنی به آن نپرداخته است بلکه برخی از محتوای آن با روایات معراج منافات دارد.

جهت دوم: بر اساس اعتقاد برخی از ذکرین آنچه که در قرآن و روایات درباره پیامبر اکرم (ص) آمده منظور محمد اتکی پنجابی می‌باشد. این ادعا نیز مخالف اجماع مسلمانان است و در هیچ یک از کتب تفسیری و روایی شیعه و اهل سنت به آن اشاره

نشده است و در کتب سیره و تاریخ اوصاف پیامبر اکرم (ص) به تفصیل بیان شده است که هیچ سنخیت و میان پیامبر اکرم (ص) توصیف شده در منابع دینی فریقین و ملامحمد اتکی وجود ندارد بنابراین ادعای ذکرهایها در عرصه خاتمیت نیز بی پایه و اساس بوده و قابل پذیرش نمی باشد.

– راه‌های شناخت پیامبران راستین از دروغین

در منابع دینی برای شناسایی پیامبران راستین از مدعیان دروغین سه منبع شناخت وجود دارد:

- ۱- تنصیب پیامبر پیشین؛
- ۲- قرائن و شواهد عقلی و عملی؛
- ۳- اعجاز پیامبر؛

تنصیب پیامبر پیشین

اینکه پیامبر قبلی که نبوت او با دلایل قطعی ثابت شده است بر نبوت پیامبر بعدی تصریح کند و بشارت بعثت آن حضرت را داده باشد که در مورد پیامبر اکرم (ص) انبیا گذشته در کتب خود بشارت به حضرت داده بودند و در شرایط آن زمان سخن از رسالت پیامبری در منطقه مکه، سخن رایج اهل کتاب بوده است، خداوند در قرآن می فرماید: «هنگامی که از طرف خداوند کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند و پیش از این به خود نوید پیروزی بر کافران می دادند با این همه هنگامی که این کتاب و پیامبر را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به آن کافر شدند، پس لعنت خدا بر کافران باد». (سوره بقره: ۸۹)

حتی در تورات و انجیل تحریف شده هم مطلب فوق وجود دارد و نتوانستند در این منابع آن را محو کنند.

قرائن و شواهد عقلی و عملی

داوری قرائن و شواهد یکی دیگر از دلایل قطعی در اثبات نبوت برای مدعی نبوت در بین مردم می باشد که مردم مکه چهل سال زندگی پرافتخار آن حضرت از نزدیک مشاهده کردند که کوچک ترین نقطه تاریکی نداشت تا جایی که لقب امین را به آن

حضرت داده بودند طبعاً در مورد چنین شخصی احتمال دروغ و ادعای کذب داده نمی‌شد. وقتی صحبت از قرائن و شواهد و نشانه‌های دال بر صدق نبوت می‌کنیم، منظورمان مواردی مانند امور زیر است:

۱. خصوصیات اخلاقی و سوابق اجتماعی
 ۲. شرایطی که بر محیط دعوت حاکم است
 ۳. شرایط زمانی
 ۴. محتوای دعوت
 ۵. برنامه‌های اجرائی و وسائل وصول به هدف
 ۶. میزان اثرگذاری دعوت در محیط
 ۷. میزان ایمان و فداکاری دعوت کننده نسبت به هدفش
 ۸. عدم سازش با پیشنهادهای انحرافی
 ۹. سرعت تأثیر در افکار عمومی
 ۱۰. بررسی ایمان آوردگان و این که از چه قشری هستند.
- به راستی اگر ما این مسائل ده‌گانه را درباره هر مدعی مورد بررسی دقیق قرار دهیم و از آن پرونده دقیقی بسازیم صدق و کذب او را به راحتی می‌توانیم دریابیم (مکارم شیرازی، ۱۷۹).

اعجاز پیامبر

یکی از راه‌ها برای شناسایی پیامبران واقعی از پیامبران دروغین همان اعجاز و امور خارق العاده‌ای است که توسط پیامبر انجام می‌شود. اعجاز از این جهت ادعای مدعی است، که دادن قدرت بر کارهای خارق العاده که از توانایی نوع بشر بیرون است به کسی که به دروغ ادعای رسالت و نبوت می‌کند موجب گمراهی است، سازگار نیست، در این صورت وجود چنین قدرت خارق العاده‌ای گواهی بر راستگویی پیامبر خواهد بود.

علامه طباطبایی از میان سه طریق یادشده فقط راه سوم (معجزه) را برای اثبات پیامبری می‌پذیرد و در ارتباط با انحصار این طریق می‌فرماید: «برای اثبات نبوت خاصه (صدق دعوی مدعی نبوت) راهی جز آوردن معجزه نیست و نیز معلوم گردید چنانکه عوام مردم از معجزه استفاده می‌کنند خواص نیز همان استفاده را می‌نمایند». (طباطبایی، ۲۶۲).

ایشان در ادامه می‌فرمایند: «بعد از روشن شدن انجام یک عمل خارق العاده به وصف

استناد آن به عالم ماورالطبیعه عقل کشف می‌کند که مدعی نبوت از قدرت و شایستگی لازم برای انجام عمل خارق العاده دیگری که مستند به علل فرا طبیعی باشد برخوردار است از آنجا که ادعای نبوت و ارتباط با عامل غیب عملی خارق العاده است، عقل امکان انجام دادن آن را بدلیل کشف مزبور می‌پذیرد و مستند حکم خود را قاعده فلسفی «حکم الامثال فیما یجوز و ما لا یجوز و امر» قرار می‌دهد که مطابق آن وقتی یک فاعل و زمینه های لازم بالضروره قادر بر انجام مثل مانند آن نیز هست بنابراین با انجام معجزه به حالت قدس و معنوی آن ارتباط با خدا ایمان حاصل می‌شود و در حقیقت بین معجزه و نبوت رابطه تکوینی وجود دارد.» (همان، ۸۷).

بنابراین سیدمحمد مهدی اتکی که ادعای پیامبری داشته است هیچ کدام یک از نشانه‌های پیامبری را ندارد نه پیامبر قبلی به آمدنش خبر داده است و نه سیره و راه عقلی برای اثبات ادعای پیامبریش بیان شده است و نه معجزه‌ای به همراهش آورده است که در میان عموم مردم موجود باشد براین اساس ادعای پیامبری وی غیر صحیح شمرده می‌شود و در شمار پیامبران دروغین می‌باشد.

۶- خاتمیت در قرآن

این باور ذکریمان در حالی است که موضوع ختم نبوت در قرآن و روایات شیعه و اهل سنت به گونه متواتر آمده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«ما کان مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لکنْ رَسُوْلَ اللّٰهِ وَ خَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ وَ کانَ اللّٰهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمًا، محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست، ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است» (احزاب: ۴۰).

خداوند در این آیه تصریح دارد به اینکه پیامبر اکرم (ص) خاتم انبیا می‌باشد مفسرین دو معنا برای واژه خاتم گزارش کرده‌اند که در هر دو معنا خاتمیت پیامبری حضرت محمد (ص) ثابت می‌شود.

خاتمیت از ریشه ختم است. ختم به معنای رسیدن به پایان چیزی است (ابن فارس، ج ۲، ص ۲۴۵). خاتم النبیین یعنی کسی که نبوت با او پایان یافته است (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۶). خاتمیت در اصطلاح نیز به این معناست که پیامبر اسلام (ص) آخرین پیامبر الهی است و پس از او پیامبری نخواهد آمد (طباطبایی، ۳۲۵). از خاتم بودن حضرت محمد (ص) این نتیجه بدست می‌آید که دین او آخرین دین الهی است.

آیه مذکور برای اثبات خاتمیت پیامبر اکرم (ص) کافی است اما آیات دیگری نیز بر خاتمیت اشاره دارند که مؤید آیه فوق می‌باشد:

از جمله آیه: «تبارک الذی تنزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً»^۱. (فرقان: ۱).

«و اوحی الی هذاالقران لانذرکم به و من بلغ»^۲. (انعام: ۱۹).

«قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً»^۳. (اعراف: ۱۵۸).

کلمات «العالمین» و «من بلغ» و «الناس» و «جمیعاً» در آیات فوق دلالت بر شمول عمومیت رسالت پیامبر بر همه مردم در تمام اعصار تا روز قیامت می‌کند که این خود مویذ خاتمیت پیامبر اکرم (ص) می‌باشد.

بنابراین در آیات قرآن، خداوند خاتمیت پیامبر اسلام (ص) را مسجّل کرده و هم درباره گذشته تاریخ اظهار نظر و همچنین درباره آینده تاریخ، داوری قاطع می‌کند، همان‌گونه که می‌تواند بگوید از بامداد آفرینش انسان تا زمان پیغمبر خاتم هیچ شخصی هم سطح و همسنگ پیامبر (ص) نیامده می‌تواند داوری کند که از عصر نبی اکرم (ص) تا شامگاه خلقت انسان‌ها، احدی همتای پیغمبر اسلام نخواهد آمد، آن‌گاه تنها حضرت رسول چنان‌که امام همه پیامبران الهی بوده شاهد جهانیان، شاهد شهدا و شهید شهیدان خواهد بود. (جوادی آملی، ۳۵/۸)

۷- خاتمیت در روایات

روایات پرشماری در مورد ختم نبوت پیامبر اکرم (ص) در منابع فریقین نقل شده است که به پاره‌ای از این احادیث اشاره می‌شود:

از جمله آن حدیث منزلت است که شیعه و اهل سنت به تواتر آن را از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند بطوری که جای هیچ شک و شبهه‌ای در صدور مضمون آن باقی نمی‌ماند و آن این است که: «هنگامی که پیامبر اکرم (ص) برای جنگ تبوک از مدینه حرکت می‌کردند امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را برای رسیدگی به کارهای مسلمانان بجای خود گماشتند، آن حضرت از اینکه از شرکت در این جهاد محروم شدند اشک از

۱. بزرگ است کسی که بر بنده خود فرقان را نازل کرد تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.

۲. این قران بر من وحی شده تا شما و تمامی کسانی را که این قران به آنها می‌رسد بیم دهم.

۳. بگو ای مردم من پیامبر خدا به سوی شما هستم.

چشمانشان جاری شد، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «اما ترضی ان یکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی؛ آیا راضی نیستی که نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی باشی؟ با این تفاوت که بعد از من پیامبری نیست». (حر عاملی، ۸۵).

مسلم نیشابوری از علما و ائمه اهل سنت در کتاب خود بیان می‌کند: «سعد بن ابی وقاص از پدرش نقل می‌کند که پیامبر برای علی (ع) فرمود: تو نسبت به من همان مقام و منزلت را داری که هارون نسبت به موسی داشت. مگر اینکه حقیقتاً بعد از من هیچ نبی و پیامبری نخواهد آمد» (مسلم، ۱۳/۱، ترمذی، ۸۹/۶).

از جمله روایات حدیث امام باقر (ع) است که فرمود: «پیامبر خدا (ص) در حالی که مسلمین در اطراف ایشان اجتماع کرده بودند، فرمود: ای مردم همانا نبی بعد از من و سنتی بعد از سنت من نیست، پس هرکس بعد از من ادعایی کند؛ ادعا و بدعتش در آتش است.» (صدوق، ۱۶۲/۴).

امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرَهُ خَتَمَ بِنَبِيِّكُمْ فَلَانَبِيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَ خَتَمَ بِكُتَابِكُمُ الْكُتُبَ فَلَا كِتَابَ أَبَدًا»

(طریحی، ۵۴/۱).

خداوند به وسیله پیامبر (ص) باب نبوت را ختم نمود و دیگر بعد از او پیامبری نخواهد آمد و با کتاب او به نزول کتاب آسمانی پایان داده و بعد از آن کتابی دیگر نازل نخواهد شد.

در نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است: وقتی علی متولی غسل رسول خدا و تجهیز ایشان گردید، فرمود: «پدر و مادرم فدای تو ای رسول خدا به وفات تو چیزی در نبوت منقطع شد که به رحلت هیچ نبی غیر از تو (در نبوت) منقطع نشد.» (نهج البلاغه: خطبه ۳۳۵).

در صحاح شش گانه اهل سنت نیز روایت شده: رسول خدا فرمود: بر همه انبیا به شش فضیلت برتری یافتیم

۱- جوامع الکلم اعطا شده‌ام.

۲- با رعب در دل دشمنان یاری شده‌ام.

۳- غنیمت‌ها برایم حلال شده.

۴- زمین برایم مسجد و وسیله تطهیر قرار داده شده.

۵- به سوی همه خلق فرستاده شده‌ام.

۶- انبیا با من ختم می‌شوند.

امام صادق (ع) فرمود: «خداوند محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را مبعوث نمود پس به وسیله او انبیا را ختم نمود پس نبی پس از او نیست و کتابی بر او نازل کرد پس به آن

کتاب را ختم نمود، پس کتابی بعد از او نیست» و روایات بی‌شمار دیگر که بیش از دویست روایت را مظفری در کتاب خاتمیت آخرین پیامبر آورده است. (حر عاملی، ۲۰/۲۰). انیس می‌گوید از رسول خدا (ص) شنیدم می‌فرمود: «أنا خاتم الانبياء و أنت يا علي خاتم الاولياء و اميرالمؤمنين (ع) فرمود: محمد(ص) پایان بخش هزار پیامبر است و من هزار وصی را پایان بخشیدم. در حدیثی پیامبر(ص) فرمود: «أنا أول الانبياء خلقاً. آخرهم بعثاً»؛ من از نظر آفرینش اول و از جهت بعثت پایان بخش هستم (حویزی، ۲۸۴/۴؛ جوادی آملی/۱/۴۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به آیات و روایات و سیره رفتاری پیامبر اکرم(ص) و خاتمیت آن حضرت می‌توان دریافت که در منابع دینی دو نظریه در عرصه نگرش فرقه ذکریه پیرامون خاتمیت وجود دارد؛ که برخی معتقدند ذکریان پیامبر اکرم (ص) را قبول داشته باشند و از آن حضرت برای حجیت «محمد مهدی اتکی» روایت نقل کنند و یا پاره‌ای از پیروان فرقه ذکریه براین باورند آن چه در قرآن برای پیامبر اکرم (ص) نازل شده مخاطب آن «محمد مهدی اتکی» باشد و ختم نبوت با ایشان صورت گرفته باشد، که ادعای مذکور سخن نادرست است زیرا در معارف قرآن و عترت نبوی به گونه‌ای تصریح در باب خاتمیت پیامبر اکرم (ص) و شخصیت آن حضرت داشته است که هیچ گونه شک و تردید در خصوص بی‌اساس بودن رویکرد فرقه ذکریه در باب خاتمیت باقی نمی‌گذارد، افزون بر آن هیچ گزارشی از اعجاز همراه ادعای پیامبری از «محمد اتکی» ثبت نشده است چرا که یکی از راه‌های شناخت مدعیان راستین پیامبری از مدعیان دروغین آن اعجاز می‌باشد به دلیل این که هر کدام از پیامبران راستین برای صدق ادعای خود معجزه‌ای نشان دادند، حضرت عیسی به اذن خداوند مرده زنده می‌کرد، نابینا شفا می‌داد و حضرت موسی ید بیضا و عصایی که تبدیل به اژدها شد و پیامبر اکرم(ص) قرآن کریم را معجزه الهی خویش معرفی می‌کند. با ژرف‌اندیشی و تأمل در سیره درخشان پیامبران می‌توان ادعا کرد که هیچ سنخیتی میان پیامبر ذکریان و رسول خدا(ص) وجود ندارد و ادعای ذکریان سخنی باطل است و براساس تعالیم حیات‌بخش دین اسلام، ختم نبوت با پیامبر اعظم (ص) صورت پذیرفته است و بعد از آن حضرت تا روز قیامت پیامبری نخواهد آمد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه
۳. آسیابادی، حتشام الحق، ماهی الذکر، تربت جمعیت انصار السنه المحمديه، چاپ اول، ۱۹۸۲ م.
۴. ابن حجاج، نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربیه، بی تا.
۵. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۶. اسعدی، محمد، پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۲، بی تا.
۷. ا. ج. هوشنگ، زمینه‌های عمومی مذهب ذگریسم به مثابه صوفی گری عامیانه در بلوچستان، شوهاز، انجمن تحقیقی و فرهنگی بلوچ، ش ۲ و ۳، تابستان ۱۹۸۹ م. لندن، ۱۹۹۱
۸. بجانانی، بزنجو، نورتجلی، بی تا.
۹. جوادی آملی، عبدالله، وحی و نبوت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، طبع الاسلامیه، ۱۴۱۴.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، مصر، مطبعه مصطفی البانی، ۱۹۹۸ م.
۱۲. دهوری، محمد صدیق، بررسی اندیشه‌ها و سیر تاریخی فرقه ذکر، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. درافشان، قصرقندی، شی محمد، در وجود، کراچی، چاپ اول، ۱۹۸۵ م.
۱۴. سربازی، عبدالصمد، بی تا، تذکره علی ذکر الوحده، (شهدای جکیگور)، ۱۳۵۷ ش.
۱۵. سرافرازی، عباس، فصلنامه‌ی علمی و پژوهشی تاریخ اسلام، شماره سوم پاییز ۱۳۹۰.
۱۶. سجادی، سیدزین العابدین، تاریخ ورود تشیع به بلوچستان، ۱۳۹۴ ش.
۱۷. شهزاد، بلوچ، محمد ایوب، ثنای مهدی، کراچی، چاپ اول، ۱۹۷۲ م.
۱۸. صدیقی، ضیاء الحق، ذکری مذهب، چاپ دوم، تربت پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت، ۱۹۸۹ م.
۱۹. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۹۷۳ م.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، بوستان کتاب، دفتر تبلیغات، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، مجموعه رسائل، ۱۳۸۷.
۲۲. قصرقندی، محمد اسحاق، ذکری مذهب، تربت مکران، ۱۹۷۳ م.
۲۳. کمالان، ملا نورالدین، معراج نامه، تربت پاکستان، نسخه خطی، کتابخانه آسیابادی، بی تا.
۲۴. لاری، عزیز، حقیقت نور پاک و سفرنامه مهدی، کراچی، ۱۹۷۲.
۲۵. لدیانوری، محمد یوسف، پژوهشنامه تاریخ اسلام، کراچی، جامعه العلوم الاسلامیه، ۱۹۹۰ م.
۲۶. مطهری، مرتضی، خاتمیت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، پنجاه درس از اصول عقائد، قم، نشر نسل جوان، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۹. ملا اعظم، ملا اعظم، سیرجهانی، تربت، کتابخانه آسیابادی، نسخه خطی، به نقل از هوشنگ، شاهاز، بی تا.
۳۰. نوری، سید عیسی، مناجات به درگاه قاضی الحاجات، فصلنامه شمع بصیرت، کراچی، ۲۰۰۷.

۳۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸.
۳۲. هوشنگ، شوهاز، لندن، بی تا، ۱۹۸۹م.
۳۳. جواد آملی، عبدالله، سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۶.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
۳۵. حیدری نسب، علی‌رضا و دیگران، مقاله تحلیل و بررسی قرآنی، روایی رویکرد ذکریان به نماز و ذکر، مجله ادیان و عرفان، شماره یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی